

ابوالفضل مسلمی\*

# نقدی بر بر گردان انگلیسی و فارسی کتاب بحران علوم اروپایی و پدیده‌شناسی استعلایی

*transzendente phänomenologie, Haag;*  
Martinus Nijhoff, 1954

که شامل دو بخش می‌شود.

۱. مواردی که ترجمه انگلیسی تقریباً با متن آلمانی مطابقت دارد ولی مترجم فارسی اشتباه کرده است یا حداقل دقیق نبوده است.

۲. مواردی که مترجم انگلیسی در ترجمه متن آلمانی اشتباه کرده است یا حداقل دقیق نبوده است و بدین ترتیب مترجم فارسی هم اشتباه نموده است.

**بخش اول:** (جملات ذیل آلمانی، ترجمه نگارنده است)

۱. متن آلمانی:

Die wissenschaft von der Totalität des

این مقاله نقدی است بر ترجمه انگلیسی و فارسی ذیل:

Edmund Husserl, *The Crisis of*

*European Sciences and Transcendental Phenomenology*, trans. David Carr

(Evanston: Northwestern University press, 1970)

و ترجمه فارسی: ادموند هوسرل، بحران علوم اروپایی و پدیده‌شناسی استعلایی، ترجمه کامران ساسانی، در کتاب ذیل: لارنس کهون، از مدرنیسم تا پست مدرنیسم، ترجمه عبدالکریم رشیدیان و دیگران، نشر نی، چاپ چهارم ۱۳۸۴، ص ۲۲۸-۲۳۴.

براساس متن آلمانی:

Husserl Edmund, *Die Krisis der europäischen Wissenschaften und die*



پرتال جامع علوم انسانی

ترجمه انگلیسی:

They surpass it precisely as being questions with the idea of reason in mind. (P.9)

ترجمه فارسی: این جمله جا افتاده و ترجمه نشده است (ص ۲۳۰).

۳. متن آلمانی:

[Das war Passiert] nicht etwa bloß aus dem äußerlichen Motiv, dass der Kontrast zwischen dem beständigen Mißlingen der Metaphysik und... (S.8)

(این امر صرفاً بخاطر [این] انگیزه بیرونی نبود که تضاد میان ناکامی پی در پی متافیزیک و ...)

ترجمه انگلیسی:

Seienden (s.6)

(علم به کلیت هستنده)

ترجمه انگلیسی:

The Science of the totality of what is. (P.8)

ترجمه فارسی: علم به هر آنچه هست (ص ۲۲۹)  
در اینجا واژه totality به معنای «هر» ترجمه شده است.

۲. متن آلمانی:

Sie [alle metaphysischen Fragen] übersteigen sie [universum] eben als Fragen, welche die Idee Vernunft im Sinne haben. (S.7)

(این پرسش‌های متافیزیکی فراتر از جهان می‌روند دقیقاً از این جهت که پرسش‌هایی‌اند که ایده خرد را دربردارند).

Ein bestimmtes Ideal einer universalen philosophie und einer dazugehörigen Methode macht den Anfang... (S.10)

(یک آرمان مشخص از یک فلسفه کلی و از روشی که بدان تعلق دارد، قدم اول را برمی‌دارد...)  
ترجمه انگلیسی:

A definite ideal of a universal philosophy and its Method forms the beginning (P.12)

ترجمه فارسی: فلسفه کلی به مثابه یک آرمان معین و روش آن سرآغاز را شکل می‌دهد. (ص ۲۳۲)

ع متن آلمانی:

Aber anstatt dass sich dieses Ideal in der Tat auswirken konnte, erfährt es eine innere Auflösung. (S.10)

(اما به جای اینکه این آرمان بتواند واقعاً تأثیرگذار باشد، در معرض یک فروپاشی درونی قرار گرفت. [یا یک فروپاشی درونی را تجربه کرد].)

ترجمه انگلیسی:

But instead of being able to work itself out in fact, this ideal suffers an inner dissolution. (P.12)

ترجمه فارسی: اما این آرمان به جای این که بتواند خود را در امر واقع پرورده سازد دچار تجزیه‌ای درونی می‌شود. (ص ۲۳۲)  
در اینجا اصطلاح «in der Tat» یا واژه انگلیسی «in fact» که هر دو به معنای «واقعاً» یا «در واقع» است «امر واقع» ترجمه شده است.

۷. متن آلمانی

Überall ist wahres Sein ein ideales Ziel, eine Aufgabe der Episteme, der "Vernunft"... (S.11)

(در همه جا، وجود حقیقی، یک هدف آرمانی، یک مسئله اییستمه [معرفت] و «خرد» است)  
ترجمه انگلیسی:

True being is every where an ideal goal, a task of episteme of «reason»... (P.13)

ترجمه فارسی: وجود حقیقی در همه جا هدفی است آرمانی برآمده از شناخت یا «عقل»... (ص ۲۳۳)

۸. متن آلمانی:

Aber auch in den vom philosophischen

This happen not merely for the external motive that the contrast became... between the repeated failures of metaphysics...

(P.11).

ترجمه فارسی: اما این تزلزل نه فقط بر اثر علتی خارجی بلکه حاصل اختلاف عظیم میان ناکامی‌های مکرر مابعدالطبیعه ... بود (ص ۲۳۱).

در اینجا متن آلمانی و ترجمه انگلیسی هر دو تأکید دارند که این امر [یعنی تضادی که در بالا مطرح شد مبنی بر اینکه اعتقاد به آرمان فلسفه و روش که از آغاز عصر جدید، جنبش‌ها را هدایت می‌کرد، متزلزل شد] صرفاً به خاطر این نبود که تضاد عظیم میان ناکامی‌های متافیزیک و افزایش موفقیت‌های نظری و عملی علوم تحصلی بسیار زیاد شده بود. اما مترجم فارسی معنای جمله را کاملاً تغییر داده و به گونه‌ای ترجمه کرده‌اند که گویا این اختلاف عظیم میان متافیزیک و علوم تحصلی، علتی خارجی نبوده است، بلکه علت اصلی می‌باشد.

۴. متن آلمانی:

Doch das Problem einer möglichen Metaphysik umgriff eo ipso auch das der Möglichkeit der Tatsachenwissenschaften, die eben doch in der unternnbaren Einheit der Philosophie ihren Beziehungssinn hatten. (S.9)

(با این حال، مسئله یک متافیزیک ممکن، مستقلاً مسئله امکان علوم امور واقع را نیز دربردارد، علومی که دقیقاً در وحدت جدایی‌ناپذیر فلسفه، معنای همبستگی خودشان را دارند.)

ترجمه انگلیسی:

Yet the problem of a possible metaphysics also encompassed eo ipso that of the possibility of the factual sciences, since these had their relational meaning... (P.11)

ترجمه فارسی: مع هذا مسئله امکان مابعدالطبیعه به خودی خود مسئله امکان علوم مربوط به امر واقع را نیز دربرگرفت زیرا این علوم معنی نسبی خود را ... (ص ۲۳۲)

در اینجا Problem of a possible metaphysics مسئله امکان مابعدالطبیعه و اصطلاح "Beziehungssinn" یا "relational meaning" به معنای نسبی ترجمه شده است!

در حالی که اولی به معنای مسئله یک متافیزیک ممکن و دومی به معنای «معنای همبستگی» است.

۵. متن آلمان:

beanspruchen, ja, wie wir wissen, für diese Neugestaltung die führende Bedeutung<sup>1</sup> (S.5)

متن انگلیسی:

As long as this had not yet happenend, science could claim significance – indeed, as we know, the major role – in the completely new shaping of European humanity which began with the Renaissance. (P.7)

ترجمه فارسی: مادام که این امر هنوز رخ نداده بود، علم می‌توانست در دادن شکلی کاملاً جدید به انسانیت اروپایی که با عصر رنسانس آغاز شده بود مدعی اهمیت – در واقع همانطور که می‌دانیم نقشی بزرگ – باشد. (ص ۲۲۹)

ترجمه نگارنده از متن آلمانی: مادامی که جریان به نحو دیگری بود، علم می‌توانست برای وجود انسان اروپایی که از زمان رنسانس به نحو کاملاً جدیدی شکل گرفته است، مدعی اهمیت باشد و البته همانطور که می‌دانیم برای این صورتبندی جدید می‌توانست مدعی اهمیت عمده باشد.

در ترجمه انگلیسی قسمت دوم جمله آلمانی ترجمه نشده است و از طرف دیگر به این امر توجه نشده است که حرف تعریف *das europäische Menschentum* متن آلمانی فوق متعلق به *Partizipialattribut* است و کلماتی که بین این دو قرار گرفته‌اند در واقع همین اسم را توصیف می‌کنند، که در زبان آلمانی به *Partizipialattribut* معروف است.

Geiste ganz erfüllten und daher zentral an den obersten metaphysischen Fragen interessierten Forschern stellte sich ein immer vordring liheres Gefühl des Versagens ein, und zwar bei ihnen aus tiefsten, obzwar ganz ungeklärten Motiven, die gegen die festgewurzelten Selbstverständlichkeiten des regierenden Ideals immer lauter protest erhoben. (S.9)

(اما حتی در میان پژوهشگرانی که از روح فلسفی کاملاً سرشار بودند و بنابراین به طور اساسی به بالاترین پرسش‌های متافیزیکی علاقه‌مند بودند، نیز یک احساس ناکامی همواره عاجل و اضطراری ظاهر شد، آن هم نزد کسانی که از روی عمیق‌ترین انگیزه‌ها، هرچند که این انگیزه‌ها کاملاً ناروشن بودند، علیه فرض‌های کاملاً ریشه گرفته آرمان حاکم اعتراض همواره بلند سر می‌دادند) ترجمه انگلیسی:

But even among those theorists who were filled with the philosophical spirit, and thus were interested Precisely in the highest metaphysical questions, a growing feeling of failure set in – and in their case because the most profound, yet quite unclarified, motives Protested ever more loudly against the deeply rooted assumptions of the reigning ideal. (P.11)

ترجمه فارسی: اما حتی در میان آن نظریه‌پردازانی که از روح فلسفی سرشار بودند و بنابراین دقیقاً به عالی‌ترین مسائل مابعدالطبیعی علاقه‌مند بودند، احساس فزاینده‌ی شک و ناکامی نمودار شد. زیرا عمیق‌ترین انگیزه‌های آنها که در عین حال انگیزه‌های کاملاً روشن نشده بودند با صدایی هرچند بلندتر علیه فرض‌های عمیقاً ریشه‌دار آرمان حاکم مخالفت ورزیدند. (ص ۲۳۱)

در اینجا «عمیق‌ترین انگیزه‌ها» فاعل جمله دوم است در صورتی که در متن آلمانی و انگلیسی پژوهشگران [نظریه‌پردازان] فاعل جمله دوم می‌باشد.

بخش دوم:

۱. متن آلمانی:

Solange es sich noch anders verhielt, konnte die Wissenschaft für das sich seit der Renaissance völlig neu gestaltene europäische Menschentum eine Bedeutung

قطعی و به لحاظ نظری همبسته، بنایی که نسل اندر نسل تا امر بی‌نهایت برافراشته شده است، می‌بایست به تمام مسائل قابل تأمل پاسخ می‌داد.

در ترجمه انگلیسی به دو مورد توجه دقیقی نشده است اول آنکه همانند نمونه قبلی حرف تعریف نامعین Ein متعلق به Bau است و کلمات میان این دو در واقع توصیف‌گر Bau هستند، دوم آنکه ما در این جمله با کلمه Unendliche مواجه می‌شویم. این کلمه، اسمی است که از روی صفت unendlich ساخته شده است و به معنای امر بی‌نهایت، امر بی‌پایان یا «آنچه بدون انتها است» می‌باشد. در حالی که در ترجمه انگلیسی اصلاً اشاره‌ای به این کلمه نشده است.

۳. متن آلمانی:

Es ist eine krisis, welche das Fachwissenschaftliche in seinen theoretischen und praktischen Erfolgen nicht angreift... (S.10)

ترجمه انگلیسی:

This is a crisis which does not encroach upon the theoretical and practical successes of the special sciences... (P.12)

ترجمه فارسی: این بحرانی است که موفقیت‌های نظری و عملی علوم خاص را مورد تهدید قرار نمی‌دهد. (ص ۲۳۲)  
ترجمه نگارنده از آلمانی: این بحرانی است که امر علمی - تخصصی را با موفقیت‌های نظری و عملی اش مورد انتقاد قرار نمی‌دهد.

در ترجمه انگلیسی das Fachwissenschaftliche به the special sciences ترجمه شده است. اما این کلمه آلمانی، اسمی است که از صفت Wissenschaftlich [به معنای علمی] که در عین حال Fach (fachlich) [به معنای تخصصی] نیز است، اخذ شده است. [به مانند Fachgebiet به معنای رشته تخصصی، Fachrichtung به معنای رشته تخصصی]. بنابراین، کلمه فوق به معنای امر علمی - تخصصی، یا «آنچه که علمی تخصصی است» می‌باشد. اینکه آیا به لحاظ محتوایی می‌توان معادل‌گزینی انگلیسی را درست دانست یا نه، قابل تأمل و بحث است.

۴. متن آلمانی

Unablässig macht diese [Skepsis] die tatsächlich erlebte Welt, die der wirklichen Erfahrung, geltend, als worin von der Vernunft und ihren Ideen nichts

Ein einziger, von Generation zu Generation ins Unendliche fortwachsender Bau endgültiger, theoretisch verbundener Wahrheiten sollte also alle erdenklichen Probleme beantworten... (S.6)

ترجمه انگلیسی:

Growing from generation to generation and forever, this one edifice of definitive, theoretically interrelated truths was to solve all conceivable problems... (P.9)

ترجمه فارسی: از نسلی به نسل دیگر، و برای همیشه، این بنای ساخته شده از حقایق قطعی که به نحو نظری به هم مرتبط‌اند می‌بایست بتوانند همه مسائل قابل تصور را حل و فصل نمایند...

(ص ۲۳۰)

ترجمه نگارنده از آلمانی: [بنابراین] یک بنای یگانه از حقایق



seines Ideals... verlor. (S.8)

ترجمه انگلیسی:

Now if..., it must have been because it lost the inspiring belief in its ideal of a universal philosophy... (P.10)

ترجمه فارسی: لیکن اگر... [این امر] باید بدین علت باشد که اعتقاد الهامبخش خویش به آرمانش از یک فلسفه کلی... را از دست داده است. (ص ۲۳۱)

ترجمه نگارنده از آلمانی: اگر اکنون... این امر تنها می‌توانست به این علت باشد که باور شورانگیز به یک فلسفه کلی از آرمان خودش را از دست داد.

ترجمه انگلیسی و فارسی بر این تأکید دارند که اعتقاد فرد به آرمانی که از فلسفه کلی داشت، از دست رفت. اما متن آلمانی بر این اصرار دارد که اعتقاد فرد به اینکه بتواند فلسفه کلی را براساس آرمانش برپا کند، از دست رفته است.

در پایان باید به چند نکته اشاره کنم:

۱. این مقاله براساس نقد و تطبیق صفحات ۵-۱۲ متن آلمانی،

۷-۱۴ متن انگلیسی و ۲۲۸-۲۳۴ متن فارسی بوده است.

۲. مواردی که در این مقاله برشمرده شده است، همه موارد

نیست. به عبارت دیگر، موارد دیگری، به ویژه در خصوص متن انگلیسی، وجود داشت که نگارنده به دلیل طولانی شدن مقاله و از طرف دیگر مورد بحث بودن برخی از آن موارد، از ذکر آنها خودداری کرده است.

۳. نقد راهی برای بهتر درک شدن متن است. نگارنده از هر

نقدی که به این مقاله صورت گیرد، استقبال می‌کند.

۴. ترجمه نگارنده از فصل اول کتاب بحران علوم اروپایی و

پدیده‌شناسی استعلایی در شماره ۱۴ مجله زیباشناخت (صفحات

۲۷۹-۲۹۱) منتشر شده است. در همین جا لازم به ذکر می‌دانم که

عنوان فرعی این مقاله یعنی «بحران علم به مثابه بحران وجود انسان [بشریت] اروپایی» به اشتباه به صورت «بحران علم به مثابه هجران وجود انسان اروپایی» تایپ شده است.

پی‌نوشت

۱. اینکه چرا نگارنده «Menschentum» را (که برخی

مواقع به معنای «انسان بودن» است) به معنای «وجود انسان»

گرفته است، محتاج مقاله‌ای مفصل در این باره است.

zufinden sei. (S.11)

متن انگلیسی:

Unremittingly, skepticism insists on the validity of the factually experienced [erlebte] world, that of actual experience [Erfahrung], and finds in it nothing of reason or its ideas. (P.13)

ترجمه فارسی: شکاکیت دائماً بر اعتبار جهان واقعاً تجربه شده، جهان تجربه بالفعل اصرار می‌ورزد و در این جهان چیزی از عقل یا ایده‌های عقل نمی‌یابد. (ص ۲۳۲)

ترجمه نگارنده از آلمانی: این امر [شک] بطور بی‌وقفه جهان بطور واقعی زیست شده و جهان تجربه واقعی را به عنوان چیزی تلقی می‌کند که گویا در آن هیچ چیزی از خرد و ایده‌های آن نمی‌تواند یافت شود.

[یا عبارت بهتر: آن را به گونه‌ای مطرح می‌کند که گویا...]

فعلی که در پایان عبارت آلمانی فوق به کار رفته است به دو نکته اشاره دارد: اول آنکه فعلی است که در زبان آلمانی به «نقل قول غیرمستقیم» یا «indirekte Rede» معروف است و دو کاربرد عمده دارد: ۱. وقتی ما می‌خواهیم جمله‌ای را به صورت غیرمستقیم نقل کنیم این نوع را به کار می‌بریم؛ ۲. هنگامی که در صحت گفته‌ای تردید داریم و چندان بدان اطمینان نداریم، از این نوع استفاده می‌کنیم. روشن است که در اینجا چیزی نقل قول نمی‌شود، بنابراین و بنابر محتوای متن درمی‌یابیم که خود هوسرل به صحت این جمله که «در جهان به طور واقعی زیست شده هیچ چیزی از خرد و ایده‌های آن نمی‌تواند یافت شود» تردید دارد و تردید خود را به صورت فوق بیان کرده است. اما این مطلب در ترجمه انگلیسی منعکس نشده است. دوم آنکه فعلی است که به صورت passive استفاده شده است.

در ترجمه فارسی نیز به تأکیدی که مترجم انگلیسی به صورت the factually experienced [erlebte] world بیان کرده اشاره‌ای نشده است. جهان واقعاً تجربه شده (زیست شده).

۵. متن آلمانی

Wenn..., so konnte es nur dadurch geschehen, dass es den schwunggebenden Glauben an eine universale Philosophie

